بررسی

اقتصاد از منظر رأسال‌گرایان

همواره این بحث می و حاضر است که آیا اقتصاددانان نیز مانند زیست‌شناسان و دانشمندان علوم دیگر با هم موافق‌اند یا نه. طبق اظهارنظرهای متعارضی که تقریبا هر روز در رسانه‌ها از آنها می‌بینیم باید گفت نه. ولی شاید این تنبیه‌گیری کمی شایبرده باشد. اگر بتوان به دامنه فکری و نظری اقتصاددانان پی برد شاید چندان بیراه نباشد اگر بگوییم بر سر مجموعه موضوعاتی تقریبا به اجماع رسیده‌اند. به‌تازگی نشر مرکز دانشنامه‌ای ترجمه و منتشر کرده که یکی از اهدافش بررسی موضوعات و حوزه‌های بسیار گسترده‌ای است که اقتصاددانان بر سر آن اتفاق نظر دارند؛ هرچند با وجود توضیح اختلاف‌نظرها و دلایل آن این هدف بیشتر در یک دایره بسته دنبال می‌شود. کتاب «دانش‌نامه مختصر اقتصاد» با ویراستاری دیوید هندرسن بر آن است تا نشان دهد تحلیل اقتصادی می‌تواند بخش وسیعی از زندگی هر روزه ما را روشن کند که اگر از دانش اقتصادی برخوردار نمی‌بودیم کنگ و مبهم می‌ماند. همه می‌دانند که اقتصاددانان درباره موضوعات اقتصاد کلان مانند تورم و بی‌کاری و رشد اقتصادی، اختلاف‌نظرهای زیادی دارند و مکتب‌های مختلف اقتصادی غالبا نگرش‌های بسیار متفاوتی دارند. اما در نظر هندرسن که خطمشی نظری کتاب را می‌سازد، حتی در اقتصاد کلان نیز هم‌نظری‌ها از آنچه معمولا تصور می‌شود بیشتر است. افزون بر آن بیشتر مسائل و موضوعات اقتصادی در قلمرو علم نوع شبکه بین‌المللی ساخته‌اند. اندیشه‌دهایی به ترتیب در دانشگاه‌های ایالات متحده و انگلستان و ژاپن و کانادا و استرالیا و نیز ایران تأثیرگذار بوده‌اند. دایره موضوعاتی مانند کنترل اجاره‌بها و حداقل دستمزد و نیاز به کاهش آلودگی هم‌نظرند. چنان که در کتاب اشاره می‌شود بخش عمده اختلاف اقتصاددانان به حوزه اقتصاد کلان مربوط می‌شود که با پدیده‌های ملی یا بین‌المللی مانند تورم و بی‌کاری و رشد اقتصادی سروکار دارد. از دیدگاه هندرسن در این حوزه، بیوان مکاتب مختلف اقتصادی از قبیل کینزی‌ها، پول‌گرایان، عرضه‌گرایان، هواداران نظریه انتظارات عقلانی، نولاکسیک‌ها، نوکینزی‌ها و طرفداران مکتب اقتصاد انتریتی اختلاف‌نظرهایی دارند. او ریشه برخی از این اختلاف‌ها را به قضاوت‌های متفاوت درباره ساختار مکتبی و اشاره به یک جامعه تخلیلی خاطر خود را درباره نحوه کارکرد اقتصاد کلان تشریح و توجیه شد. و از این طریق کوشیده اختلاف‌نظرها و نقاط هم‌گرایی را نیز منعکس کند؛ برای مثال، مروری رودبار، نویسنده مدخل «بازار آزاد»، می‌نویسد جامعه مبتنی بر بازار آزاد این‌چوجوزیا رفاه عمومی را ایجاد می‌کند که به امکان می‌دهد در «بازیسه با دیگر جوامع» از فراغت بیشتری برخوردار شوم و بیشتر بر این معیوت باشیم». (ص۱۱۲) هرچند تجربه در کنایم فهرستی از ارجاعات به مقالات علمی درباره این موضوع هست.

نیاز به یک داستان سیاسی نو داریم

ترجمه‌ها: فرید دبیرمقدم

به گفته جورج مونبیو در کتاب جدیدش «برون‌رفت از ویرانه‌ها: سیاستی نوین برای زمانه‌ای بحرانی»، این تصور که بشر ذاتاً رقابت‌طلب و فردگراست، صرفاً تئوری رأسال نیست، بلکه در تناقض با یافته‌های علوم روان‌شناسی، عصب‌شناسی و زیست‌شناسی تکاملی قرار دارد. مونبیو اعتقاد راسخی به «سیاست تعلق خاطر» دارد. درکنت‌وکوی زیر با مارک کارلین، وی چگیدهای از بحث اصلی کتاب جدیدش را مطرح می‌کند: انسان‌ها نوع‌دوست‌اند. اما ما نیاز به یک داستان نو از یکدلی و توسعه مشترک داریم تا بر پویاگاندای داستان نولیبرال فائق آییم.

کتاب جدیدتان را با اهمیت داستان‌هایی شروع می‌کنید که اعضای جامعه به عنوان روایت‌های شخصی می‌پذیرند. چه شد به اینجا رسیدیم که داستان نولیبرال فراگیرو غالب شد؟

با تأسیس انجمن مونت پلرین در سال ۱۹۴۷ به دست فردریش هایک و دیگران، نولیبرال‌ها با پشتیبانی مالی چند حامی بسیار ثروتمند یک نوع شبکه بین‌المللی ساختند. اندیشه‌دهایی به ترتیب در دانشگاه‌های ایالات متحده و انگلستان و ژاپن و کانادا با حمایت مالی جذب کردند. سردبیران و روزنامه‌نگاران را به جلسات خود آوردند و موفق شدند مشاوراتی را وارد وزارتخانه‌های کلیدی سیاسی کنند. می‌دانستند تا وقتی سوسیال‌دموکراسی کیزی به صورت گسترده از سوی احزاب از طبقات گوناگون سیاسی پذیرفته شده است، هیچ شانسی برای موفقیت دوری ندارند. طی ۳۰-۴۰ سال شبکه‌ای خود را ساختند. استدلال‌هاشان را بهتر کردند و مدام افراد بیشتری را وارد حلقه خود کردند. می‌دانستند وقتی بحرانی اقتصادی یا سیاسی را رقم بزنند، حاضر و آماده خواهند بود. به قول میلتون فریدمن «وقتی زمان آن فرا رسید که باید تغییر می‌کردید... بدیلی حاضر و آماده در اختیارتان بود».

اما از همه مهم‌تر چیزی داشتند که طرف‌های مقابل نداشتند: داستانی جدید. داستان‌های سیاسی برای هر نسلی باید به‌روز یا جایگزین شوند. تا حدودی به این دلیل که سیاست‌شان از رونق می‌افتد یا اقناعی می‌شود یا به دلیل حملات ضعیف می‌شود. تا حدودی هم به این دلیل که مردم دل‌وغافل‌شان را از دست می‌دهند و خاطرشان از وضعیت جمع می‌شود. این اشتباه فاحشی است که آن دسته از ما که سیاستی کنموده می‌خواهیم که همه را دربرگیرد مرتکب آن می‌شویم: نتوانسته‌ایم از زمانی که جان مبارز کبیز کاب «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» ازترجمه منوچهر فرهنگ، نشر نی را در ۱۹۳۶ نوشت، یک داستان سیاسی جدید را که به‌خوبی ساخته و پرداخته شده تولید کنیم. ناکامی ما در این کار منجر به سقوط نیلی شد.

نوع‌دوستی و یکدلی نبرده‌اند ... متأسفانه این افراد بیش از حد در سطوح بالای حکومت و تجارت نمایند شده. رئیس‌جمهور فعلی آمریکا نمونه خوبی است. وقتی رقابت‌زدن بخش بزرگ و مهمی از اقتصاد محلی می‌شوند. شکل‌یابد اما این‌گونه نیست. یک درصد از انسان‌ها این شکل‌اند.

اما دلیل دیگر این موضوع‌ساخت مصیبت‌بار این است که ما غرق در ایدئولوژی مصیبت‌بار شده‌ایم. ایدئولوژی مهلک فردگرایی و رقابت مغرضیم که برخلاف تمام شواهد علمی به ما می‌گوید خصلت غالب و بازرمان خودخواهی و طمع است و در واقع امروزه بسیاری از مردم از معاقب هر دو وضعیت رنج می‌برند: ضرورت ارائه خدمات دولتی ایجاب می‌کرد که همکاری مطلق و استقلال از این بروند. اما حالا که ارائه خدمات دولتی در حال برداشته‌شدن است. مردم دیگر هیچ‌کدام را ندارند.

بنابراین برای رسیدن به بینش جدیدی که من به دنبال ترویج آنم و آن «سیاست تعلق خاطر» (Politics of Belonging) می‌نامم، نیاز داریم زندگی جمعی را احیا کنیم. دو راه برای این کار هست که بایم جراب توجه است.

راه اول ایجاد و گسترش یک فرهنگ مشارکتی غنی است: پروژه‌های جمعی با هدف دخل‌کردن هر چه بیشتر مردم. پروژه‌هایی که برخی از آنها نیازمند قبول مسئولیت یا مهارت بسیار کمی است و به تدریج به آنچه متخصصان «شبکه‌های برمایه» (thick networks) می‌نامند، تکثیر می‌شوند. نمونه‌های فوق‌العاده‌ای وجود دارند. مثلاً حرکتی در رتردام هلند که با تبدیل یک گرمایه ترکی متروک به یک محل مطالعه عمومی آغاز شد و به ۱۳۰۰ پروژه و کسب و کارهای جمعی منتهی شد. سرانجام به نقطه‌ای می‌رسید که مشارکت جمعی نه استثنا بلکه بدل به قاعده می‌شود و چنان تعداد زیادی نیکاه اجتماعی، تعاونی و دیگر کسب و کارهای جمعی شکل می‌گیرند که رقیب‌فرقه بخش بزرگ و مهمی از اقتصاد محلی می‌شوند.

راه دوم بازین‌کسی منابع اشتراکی است. یعنی یکی از چهار پخش بزرگ اقتصاد که همیشه فراموش می‌کنیم. (بحث‌های ما معمولا تنها متمرکز بر دو بخش دولت و بازارند و منابع اشتراکی و خانه را نادیده می‌گیرند). منابع اشتراکی منابعی‌اند که به یک اجتماع تعلق دارند و همگان به طور مساوی در آنها سهیم‌اند و آنها را مدیریت می‌کنند. هم دولت و هم بازار بی‌اسان به این منابع حمله می‌کنند. به باور، اجرا بازین‌کسی منابع اشتراکی برای احیای اجتماع، دموکراسی، حس تعلق خاطر و جهان از صورتی اساسی برخوردار است. این منابع اشتراکی‌اند که به اجتماع معنا می‌بخشند. در کتاب مثال‌هایی از معنای این موضوع و چگونگی اجرا آن آورده‌ام.

«رای انتقال‌پذیر (single transferable vote) در نظام انتخاباتی چست و چرایان نشان دست‌یافتنی است؟ چرا فائق خاطر مهم است؟

این سادگترین و مستقیم‌ترین شکل نمایندگی تناسبی (proportional representation) است. در حال‌حاضر در کشورهایی مانند بریتانیا و آمریکا با نظام‌هایی انتخاباتی سر و کار داریم که بر اساس رقابت میان گروه‌ها و خواست‌های دموکراتیک طراحی شده‌اند. این نظام‌ها اظهار می‌کنند که اگر برخی از مردم از ارزش بیشتری نسبت به آدم دیگران برخوردار است. برای مثال، نظام انتخاباتی انحلت‌نفوذ» در بریتانیا دو دسته رأی‌دهنده را دست‌شده دو بخش تقسیم کرده‌اند. یعنی می‌توان به کمتر احتمال دست‌به‌دست‌شدن قدرت بعید است. یعنی می‌توان با حیال راحت نادیده‌شدن گرفت و افتاد (حدوداً هشت‌هزار نفر از ۴۵ میلیون واجد شرایط رأی‌دادن) در حوزه‌های انتخاباتی حاشیه‌ای که احزاب باید تمام امکانات و اختیارشان را بایند تمام‌شان را بچینند و آرای‌شان را به سوی حوب جلب کنند. نمایندگی تناسبی به این معناست که تعداد کرسی‌های تخصیص‌یافته به یک حزب، در پارلمان یا کنگره باید بازتاب‌دهنده تعداد آرایی باشد که به صندوق ریخته می‌شوند. از میان اشکال گوناگون نمایندگی تناسبی، من طرفدار رای انتقال‌پذیرم؛ زیرا با آنکه مستقیما تناسبی است، اما حسی از تعلق و دلبستگی محلی را نیز حفظ می‌کند. رأی‌دهندگان نمایندگان خود را به اسم و از حوزه‌های انتخابی جغرافیایی انتخاب می‌کنند. این کار ویژگی سیاسی بسیار مهمی دارد: سهولت. رأی‌دهندگان در کنار اسم کاندیداهای مورد نظرشان، به ترتیب اولویت روی برگه رای عدد می‌نویسند. اگر اولین کاندیدای مورد نظرشان از بینش رای کافی داشته باشد یا هیچ شانسی برای انتخاب‌شدن نداشته باشد، رای‌شان حین شمارش آرا به انتخاب دوم‌شان منتقل می‌شود و انتخاب دوم اسم که به حساب می‌آید.

تنظیم مشارکتی بودجه چطور کار خواهد کرد؟

به گمانم بهتر است بپرسیم «چطور درحال‌حاضر کار می‌کند؟». از سال ۱۹۸۹ با موفقیت بسیار در برزیل کار کرده و جواب داده است و اخیراً در چند کشور دیگر نیز به کار گرفته شده است.

در شهر پورتو آلگری برزیل که این شیوه در آنجا آغاز شد، حدود ۳۰ درصد بودجه شهرداری -سهم مربوط به زیرساخت‌ها- از سوی مردم تخصیص داده می‌شود. این فرایند با جلساتی عمومی برای بررسی بودجه سال گذشته و انتخاب نمایندگان محلی برای شورای بودجه آغاز می‌شود. این نمایندگان با همکاری مردم مناطق خود بر سر اولویت‌های بودجه به توافق می‌رسند و سپس این اولویت‌ها را به شورای بودجه ارائه می‌کنند. شورا تقسیم پول را بر مبنای سطوح محلی فقر و فقدان زیرساخت‌ها تنظیم می‌کند. در پورتو آلگری معمولاً قریب به پنجاه هزار نفر در تنظیم بودجه مشارکت می‌کنند؛ بله. پنجاه هـزار نفر. هیچوقت نگذارید کسی بهتان بگوید که مردم برای دموکراسی مشارکتی آمادگی لازم را ندارند.شهرهایی در برزیل که با بودجه‌های مشارکتی اداره می‌شوند شاهد کاهش سریع‌تر مرگ‌ومیر نوزادان و خدمات بهداشتی و درمانی بهتری نسبت به شهرهایی بودند که از شیوه سنتی تنظیم بودجه استفاده می‌کنند. تعداد مراکز درمانی، مدارس و مهدکودک‌ها در مناطق محروم افزایش می‌یابد؛ تأمین آب بهتر می‌شود؛ روحانه‌ها و تمیز می‌شوند. فقر سریع‌تر از مناطق دیگر کاهش می‌یابد. از این رو دیگر نمی‌توان به فقرا و مشکلات‌شان بی‌توجهی کرد. باندها و مافیاهای محلی قدرتشان را از دست می‌دهند. چراکه مردم برای مسائل دیگری برای حمایت انتخاب را اختیار دارند. بدبسنان های نامشروع و فساد رو به کاهش می‌گذارد. زمان حکومت تصمیم‌گیری را بفهمید. زیرساخت‌های خوب به چشم شهروندان به عوض آنکه تحمیلی تلقی شود که از بالا نازل می‌شود، به صحنه به درکرده بدون و هدف عمده آن. دستکاری افکار سندیدکان و استثمارشدگان سرانجام پایان می‌یابد؛ و به یک نارضایتی رنده‌بنده بین‌زیست و در جستوجوی بدیلی برای جامعه سرمایه‌داری هستند. «این نه سوسیالیسم. بلکه دموکراتیزه‌شدن مدارن و غربی‌شدن و کوراتیت بود که همراه با فروپاشی شوروی در هم شکسته شد. این تجدیدنظرطلبی مدرن، سنگ‌بنای فلسفی سلطنت پوزیتیویستی و بازاری‌شدن است. آمال آن بعثی تفوق بر رقیب اصلی خود، ایالات متحده آمریکا، بود تا حود به‌عنوان ابرقدرت امپریالیست پیشتاز جهان به آقای جدید تبدیل شود». (ص۲۲)

بازسازماندهی تولید بین‌المللی مرحله‌ای نوین در تکامل سیستم جهانی امپریالیستی به شمار می‌آید. در دلال حدود مواضع برتری در مسیر گشایش آزادانه سرمایه از جهانی یک جنبش طول‌است در تکامل سیستم تولیدی در پایان قرن بیستم روی داد و فرایند بی‌سابقه تمرکز و تراکم تأسیس شد و رشته‌های آن به جنبش چپ نو مانوئیستی در جنبش دانشجویی شد و جنبه تعیین بازمی‌کرد. انتقال اکثر کسب‌وکارها به کشاب هم خود از اعضای فعال و درگیر در ساختار جزب مارکسیست-لنینیست آلمان بوده است. او که متولد ۱۹۵۲ است به‌عنوان یک مکانیک مغرب در کارخانه‌های بزرگ زیادی کار کرده است و پس از روزها به‌عنوان روزنامه‌نگار شناخته می‌شود. از جمله آثار او می‌توان به «مبارزه بر سر شیوه تفکر در جنبش طبقه کارگر» (۱۹۹۵) و «استعمار نو و دگرگونی‌ها در مبارزه» رهایی‌بخش ملی» (۱۹۹۸) اشاره کرد. «غروب خدایان بر فرانظر نظم نوین جهانی» در ۲۰۰۳ منتشر شد. «کنار. در انتخاب عنوان کتاب از یک اسطوره الهام بوده‌ام به‌صورت «غروب خدایان»، پایان جهان دریرگیرنده خیان خسته عهد عتیق است و از خاکستر حریق جهان، یک جهان ستودنی صلح‌آمیز و آکنده از زندگی لذت‌بخش شروع می‌شود.

سازماندهی نولیبرالی

تغییر سازماندهی تولید در اقتصاد جهانی ارتباط وثیقی با فروپاشی بلوک شرق داشت. اقتصاد بسیار برابرتر شوروی و بلوک شرق به‌صورت یک بلوک اقتصادی که از بافتی جهان متوزی بود نامعکس ساخته بود و انطباق سنتی مناسبات تولیدی آن با مناسبات جهانی، به یک صورت اقتصادی فروی تبدیل شد بود. البته از نظر نوبنده اندیشه اتحاد شوروی بیش از اینها بعضی از زمان کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی در فوریه سال ۱۹۵۶ خصلت سوسیالیستی خود را از دست داده بود. «با فیشه‌دش قـرار و نیز یک روزواری نوین که از بوروکراسی مرکزی حزب، اقتصاد و دولت می‌آمد اتحاد شوروی به یک سرمایه‌داری انحصاری - دولتـی بوروکراتیـک انحطاط یافت و از آن پس تنها جوامع اختیاران با سوسیالیسم، نام آن بود». اگیل پوپاگاندای «پایان سوسیالیسم» و حتی «پایان تاریخ» را جـرا هیاهوی پیروزمندانه نیروهای غربی می‌دانند که رقیب «سوسیال- امپریالیست» خود را در یک جنگ رقابتی بی‌امان از صحنه به درکرده بودند و هدف عمده آن، دستکاری افکار سندیدکان و استثمارشدگان سراسر جهان بود که با یک نارضایتی رنده‌بنده بین‌زیست و در جستوجوی بدیلی برای جامعه سرمایه‌داری هستند. «این نه سوسیالیسم. بلکه دموکراتیزه‌شدن مدارن و غربی‌شدن و کوراتیت بود که همراه با فروپاشی شوروی در هم شکسته شد. این تجدیدنظرطلبی مدرن، سنگ‌بنای فلسفی سلطنت پوزیتیویستی و بازاری‌شدن است. آمال آن بعثی تفوق بر رقیب اصلی خود، ایالات متحده آمریکا، بود تا حود به‌عنوان ابرقدرت امپریالیست پیشتاز جهان به آقای جدید تبدیل شود». (ص۲۲)

بازسازماندهی تولید بین‌المللی مرحله‌ای نوین در تکامل سیستم جهانی امپریالیستی به شمار می‌آید. در دلال حدود مواضع برتری در مسیر گشایش آزادانه سرمایه از جهانی یک جنبش طول‌است در تکامل سیستم تولیدی در پایان قرن بیستم روی داد و فرایند بی‌سابقه تمرکز و تراکم

روزنامه شرق، ۲۳ خرداد ۹۵، شماره ۲۶۰۵

گفت‌وگویی با جورج مونبیو درباره کتاب جدیدش «برون‌رفت از ویرانه‌ها: سیاستی نوین برای زمانه‌ای بحرانی»

نیاز به یک داستان سیاسی نو داریم

چونکی ظهـور دونالد ترامـب رئیس‌جمهور میلیـاردری که به خودش می‌نالد می‌تواند به زنان دسـت‌درازی کند. مهاجران مکزیکی را «تجاوزگران» بخواند و مردم ناتوان و معطول را مسخره کند، موضوع کتـاب اخیر نائومی کلاین اسـت: «نه گفتن کافی نیسـت؛ مقاومت در برابر شوک‌های جدید و به‌دست‌آوردن جهانی که می‌خواهیم». کلاین، روزنامه‌نگار، مستندساز، محقق و فعال سیاسی کانادایی از زمان تکراش مانیفستی علیه جهانی‌سـازی در اولیوس اثر خود «بدون لوگو» (۱۹۹۹) به‌عنوان یکی از تندترین و پیگیرترین منتقدان نظام نولیبرالیسم شناخته شده اسـت. در آن اثر فرهنگ مصرفی برندمحور در آمریکا و عملکرد چند ابرشـرکت بین‌المللی و مکانیسـم اسـتثمار کارگران در فقیرترین کشـورهای جهان را بررسـی می‌کند. «حصارها و بنجره‌ها» (۲۰۰۲)، کند و جهت حرکت ما را از این مسـیر فعلـی تغییر دهد». (ص۲۶۶) این نقل‌قـول از کلاین تأثیر ناکامی جنبش والاسـتریت را بر فعالان و حاضران در آن نشـان می‌دهد و اهمیت سازماندهی را مطرح می‌کند و اینکه که صـرف حضور در خیابان برای یـک جنبش مقاومت کافی نیسـت. او در بخش پایانی کتـاب، بحث خود را با طرح «مانیفسـت جهش» جمع‌بندی می‌کند و امیدوار اسـت بیـش از بخش‌های دیگر کتـاب توجه خوانندگان را جلب کند: «جهشـی یکباره و پیشـرو در اقـدام برای تغییرات آب‌وهوایی، عدالت نژادی و مشـاغل مناسـب». ریشـه شـکل‌گیری این کارویژگی، درس‌هایی اسـت که کلاین از حضور مـداوم و بحث با فعالان مختلف حاضر در «جنبش صخره اسـتاده» آموخته اسـت. همچنین او مفاد این مانیفسـت را از جنبشی می‌گیرد که چندسـالی اسـت در کانادا به راه انداخته و از اتحادیه‌های کارگری و رهبران گروه‌های بزرگ زیسـت‌محیطی تا فمینیسـت‌ها، بومگرایان، نظریه‌پردازان سرشناس در زمینه حقوق مهاجران، غذا و مسکن عادلانه را با خود همراه کرده است.

آنها به دنبال سـلب قدرت از دولت فدرال و تفویض آن به شهرها و روسـتاها و واگذاری تصمیمات مهم‌تری به آموزش‌وپرورش، انرژی و بهداشت و سلامت به دسـت مردم‌اند. ایده «مانیفسـت جهش» تعمیم موضوعاتی اسـت که در انتهای کتاب «آخرین فرصـت تغییر» مطرح شـده بود. کلاین طرح «مانیفسـت جهش» را مثل مفاد متنی در نظر می‌گیرد که هنوز جای کار دارد و قابل بسـط اسـت. در ماه‌های بعد از انتشار مانیفسـت جهش، این اعلامیه به یک پروژه زنده و در حال تکامل تبدیل شـده اسـت. طوری که حامیان روز به روز در حال گسـترش آن پیوسـته این اثر را مورد بازبینی قرار می‌دهنـد و محتوای آن را غنی‌تر می‌کنند. تیم او همچنین با سازمان‌دهندگان فعالیت‌های اجتماعی در سراسر جهان که پروژه‌های آزمایشی مشابهی را آغاز کرده‌اند از نزدیک همکاری می‌کند.

در نظر کلاین، چپ‌گرایان باید به یک دسـتورکار برای تغییر برسـند. این دسـتورکار بر موضوعاتی مهم مثل سیاسـت‌های مبتنی بر حفاظت از محیط‌زیسـت، تغییرات اسـاسی در شـیوه‌ها و توزیع ثروت اسـت. کلاین این دسـتورکار بر موضوعاتی مهم مثل سیاسـت‌های مبتنی بر حفاظت از محیط‌زیسـت، تغییرات اسـاسی در شـیوه‌ها و توزیع ثروت اسـت. کلاین به این حقیقت رسـیده بود که قراردادهای استخراج نفت در ایران و منطقـه در تضاد کامل با منافع ایران بـه عنوان ملک حقیقی مطلق تنقیض قرار دارد. علاوه بر آن او بر پدیده بـه قیمت‌های موجود در بازار نفت و واقع قیمت‌های واقعی تمسیت‌زده. می‌خواهیم تبلیغ تجیز من از پرش قیمت نفت در ۱۹ و ۲۰ تیر ۱۳۹۷ این بود که این بیش مصدقی بیش از ۲۰ سـال از کودتای ۲۸ مرداد در ایران می‌گیرد، به آرامی در میان تمـام دولت‌های ملی مانیفسـت منافع نفتی به بینش مسـلط تبدیل شـده اسـت. اویک نیز با پشتوانه معرفتی تاریخی برای افزایش نرخ نفـت نفـت دسـت به کار شده اسـت. این تصمیم اوپک در حقیقت بازگوکننده سرمایه‌داری‌شـدن اکثر کشورهای نفتی خاورمیانه اسـت. بنابراین باید ریشـه اصلی این پرش را در دورن این تمیع و تحولات در حال وقوع جسـتوجو کرد.» (ص ۱۹) نهضت می‌گردن صنعت نفت در ایران. که با کودتای نظامی‌ایران مسـاد در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با شکست مواجه شد تاثیر بسزایی در کل خاورمیانه و کشورهای نفتی سـوم از خود به جا گذاشت و فضای اسـتقلال‌طلبی جنان گسـترش یافت که تمامی کشـورهای منطقه به صورت اجباری شـکل‌گیری صنایع نفتی خود را دنبال کردند.

در بحث مربوط به نفت‌خیز نفت، تحقیق نویسـنده استوار به نگاهـی انتقادی به قانون ارزش ریکـاردو و مارکس و تکمیل آنها از منظر رانت و تئوری قیمت‌یابی مطلع طبیعی است. از اقتصاد امروز ایران و سـایر کشـورهای صاحب ذخایر نفتی، رانت را مبتلا به «بیماری هلندی» در شـکل متوم آن می‌داند. کشور هلند منابع انرژی عظیم دریایی جسـتجوی در اختیـار دارد. اکن کشـور با ارزش‌گـذاری جنـو و افزایش تقاضـای منابع طبیعـی انرژی در اروپا به ویژه آلمان، این کشـور به اقتصاد مسـتقل و رقابت‌پذیر در بازار جهانی نشـاند. در بحث به صدور مقادیر فراوانی از منابع کار طبیعی کشـور زد. صدور کار طبیعی کار با صدور سـوم به ارزش اقتصاد هلند امکان درآمدهای ارزی اضافه‌ای به وجود آورد و از سوی دیگر بسـب شد که قیمت نرخ ارز این کشور افزایش یابد. افزایش ضریب نرخ ارز به این معنی اسـت که دیگر کالاهای صادراتی هلند که تا آن زمان در بازار جهانی رقابت‌پذیر بودند، غیرقابت رقابتی خود را به علت افزایش قیمت این کالاها در دسـت بدهند و برعکس کالاهای وارداتی هلند به سبب کاهش قیمت آنها به نیاز این بازار داخلی با عرضه کاهش قیمت رقابتی مصنوع داخلی روبرو شـده. رکود ناشی از این دو پدیده به بار فرسایه سرمایه‌های داخلی منجر می‌شود و با سرمایه‌گذاری را از بخش مولد اقتصاد به بخش‌هایی که رقابت مسـتقیم با کالاهای وارداتی ندارند (مانند بخش ساختمان) سـوق می‌دهد. نویسـنده در بخشـی از کتاب مفصل به این نوع رکود اقتصادی ناشی از نفت در «افتاد مبلی» پرداخته و نتیجه‌گیری کرده که در فقدان کنترل دموکراتیک استفاده از درآمدهای نفتی نمی‌تواند انتظار داشت که بتوان از پیامدهای تخریبی اقتصاد وابسته به نفت از قبیل تورم، بیماری هلندی، افزایش بیکاری و فقر اجتماعی جلوگیری کرد و در حقیقت ریشه بسـیاری از چالش‌های موجود اقتصادی که موجبات منابع نفتی را به پلک خانمان‌سوز فساد تبدیل کرده است در وجود نهادهای انحصاری و نیز کنترل دموکراتیک است.

بررسی

اقتصاد سیاسی نفت

اقتصاد نفت از زمان آغاز اکتشـاف و اسـتخراج آن در اواخر قرن نوزدهم، پیچیده‌ترین اقتصاد در جهان سـرمایه‌داری بوده اسـت. در قرن بیسـتم، نفت به عنوان مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی در جهان، نقشـی محوری در ساختار ژئوپلیتیک و سیاسـت‌های سلطه‌جویانه آمریـکا ایفا کرد. با وجود آنکه آسـیب‌های زیسـت‌محیطی مصرف انرژی‌های فسـیلی، به‌خصوص نفـت، جامعه انسـانی را امروز به اسـتفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر سـوق داده اسـما نفت همچنان و تا آینده‌ای قابل‌توجه، مهم‌ترین و پرسودترین نـوع انرژی در رقابت دائمی بازار جهانی باقی خواهد بود.

کتاب «نفت و جغرهنویسـم امریکا» که به تازگی منتشر شده ارزیابی جامعی اسـت از اقتصاد نفت و آینده انرژی در جهان و ایران با تکیه بر تئوری رانت و مقوله‌های قـدرت و تکنولوژی. کتاب در دو بخش و ۱۱ فصل تنظیـم شـده اسـت. بخش اول کتاب با عنـوان «مبانی نظـری و تاریخی» در هشـت فصل از جمله بـه نظریه‌های قیمت نفت و نقش امپریالیسـم آمریکا و دورزنمـای جهانی در قرن ۲۱ در زمینـه انرژی پرداخته و بخش دوم با عنـوان «الگوی مصرف انرژی و آینـده انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران» در سـه فصل بـه مسـائلی مانند دولت رانتی و ویژگی‌های الگوی مصرف انرژی پرداخته اسـت. محتـوی مصـرف در مقدمه تصریح می‌کند که کتاب نتیجه مطالعات او در مورد سـازوکارهای ورود استعمارگرانه و امپریالیسـتی و بنابراین وابسـته‌کردن اتکلوراد اقتصاد و جوامع این کشورها اسـت.

ایـران یکی از عمدتریـن کشـورهای برخـوردار از منابع گوناگون انرژی اسـت و از نظر منابـع نفتی در ردیف چهـارم جهان و از نظر منابع گـاز طبیعی، در ردیف اول قرار دارد. اگر در ایالات متحده نفت در خدمـت صنایع قرار گرفـت، در ایران در خاورمیانـه تولید نفت و ایجاد صنایع نفتی پیش‌شـرط تمام چیزهای دیگر شـد. از تغییرات سـاختاری در بودجه دولـت گرفته تـا ایجاد موسسـات خدماتی، سـرمایه‌گذاری‌های دولتی در ایجاد بنادر و سایر بخش‌های عمومی، گذر از جامعه کشاورزی و دهقانی، فرار جمعیت از مناطق روسـتایی، تشکیل شـهرها، ساختار قدرت رژیم سلطنتی، سـاختار اجتماعی، چونگونی انتقال از جامعه دهقانـی به جامعه شـهری و بالاخره الگـوی صنعتی و مصرف انرژی. اسـتفاده از منابع نفتی ایران مانند دیگر کشـورهای خاورمیانه رانتی آغاز شـد که اقتصاد آن متوز در دوران سنتی و پیش از صنعتی‌شـدن و بهره‌برداری این منابع بـه می‌برد. بنابراین انگیزه اکتشـاف و بهره‌برداری این منابع نمی‌توانست از تقاضـای داخلی سرچشـمه گرفته باشـد: «غیر از سـرمایه‌داران تولیدکننده انرژی، مالکان منابـع انرژی نیز جماعت مالکان زمین‌های کشـاورزی در قیمت‌یابی بازار جهانی قرن‌های ۱۹ و ۲۰ نقش مهمی داشـتند و گاهی حتی می‌توانند حـرف اول و آخر را بزنند. آیا وقت آن نیسـت بود که مالکان منابع نفتی در خاورمیانه و سـایر کشورهای جهان سـوم درک کنند که منابع طبیعی در سیسـتم سـرمایه‌داری به تقاضا شـده است و در حقیقت در خدمت منافع غیرطبیعی می‌شود؟ به زودی برایم روشن شد که مبارزات ملی‌شدن صنعت نفت در ایران به رهبری دکتر محمد مصدق، درسـت در همین شرایط تاریخی قرار گرفته بود. در واقع، دکتر مصدق اولین سیاسـتمدار جهان سـوم بود که با درک روابط سرمایه‌داری وابسـته‌کننده و نیز مبارزه‌ای که بـه این حقیقت رسـیده بود که قراردادهای استخراج نفت در ایران و منطقـه در تضاد کامل با منافع ایران بـه عنوان ملک حقیقی مطلق تنقیض قرار دارد. علاوه بر آن او برای پرده بـه که قیمت‌های موجود در بازار نفت در واقع قیمت‌های واقعی نیسـتند. به همین دلیل تعبیر من از پرش قیمت نفت در ۱۹ مرداد ۱۳۳۲ این بود که این بیش مصدقی بیش از ۲۰ سـال از کودتای ۲۸ مرداد در ایران می‌گیرد، به آرامی در میان تمـام دولت‌های ملی مانیفسـت منافع نفتی به بینش مسـلط تبدیل شـده اسـت. اویک نیز با پشتوانه معرفتی تاریخی برای افزایش نرخ نفـت نفـت دسـت به کار شده اسـت. این تصمیم اوپک در حقیقت بازگوکننده سرمایه‌داری‌شـدن اکثر کشورهای نفتی خاورمیانه اسـت. بنابراین باید ریشـه اصلی این پرش را در درون این تمیع و تحولات در حال وقوع جسـتوجو کرد.» (ص ۱۹) نهضت می‌گردن صنعت نفت در ایران. که با کودتای نظامی‌ایران مسـاد در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با شکست مواجه شد تاثیر بسزایی در کل خاورمیانه و کشورهای نفتی سـوم از خود به جا گذاشت و فضای اسـتقلال‌طلبی جنان گسـترش یافت که تمامی کشـورهای منطقه به صورت اجباری شـکل‌گیری صنایع نفتی خود را دنبال کردند.

در بحث مربوط به‌نفت‌خیز نفت، تحقیق نویسـنده استوار به نگاهـی انتقادی به قانون ارزش ریکـاردو و مارکس و تکمیل آنها از منظر رانت و تئوری قیمت‌یابی مطلع طبیعی است. از اقتصاد امروز ایران و سـایر کشـورهای صاحب ذخایر نفتی رانتی را مبتلا به «بیماری هلندی» در شـکل متوم آن می‌داند. کشور هلند منابع انرژی عظیم دریایی جسـتجوی در اختیـار دارد. اکن کشـور با ارزش‌گـذاری جنـو و افزایش تقاضـای منابع طبیعـی انرژی در اروپا به ویژه آلمان، این کشـور به اقتصاد مسـتقل و رقابت‌پذیر در بازار جهانی نشـاند. در بحث به صدور مقادیر فراوانی از منابع کار طبیعی کشـور زد. صدور کار طبیعی کار با صدور سوم به ارزش اقتصاد هلند امکان درآمدهای ارزی اضافه‌ای به وجود آورد و از سوی دیگر بسـب شد که قیمت نرخ ارز این کشور افزایش یابد. افزایش ضریب نرخ ارز به این معنی اسـت که دیگر کالاهای صادراتی هلند که تا آن زمان در بازار جهانی رقابت‌پذیر بودند، غیرقابت رقابتی خود را به علت افزایش قیمت این کالاها از دسـت بدهند و برعکس کالاهای وارداتی هلند به سبب کاهش قیمت آنها به نیاز این بازار داخلی با عرضه کاهش قیمت رقابتی مصنوع داخلی روبرو شـده. رکود ناشی از این دو پدیده به بار فرسایه سرمایه‌های داخلی منجر می‌شود و با سرمایه‌گذاری را از بخش مولد اقتصاد به بخش‌هایی که رقابت مسـتقیم با کالاهای وارداتی ندارند (مانند بخش ساختمان) سـوق می‌دهد. نویسـنده در بخشـی از کتاب مفصل به این نوع رکود اقتصادی ناشی از نفت در «افتاد مبلی» پرداخته و نتیجه‌گیری